

خرید کتاب های کنکور

با تخفیف ویژه

و

ارسال رایگان

Medabook.com



یک جله تماس تلفنی رایگان

با مشاوران رتبه برتر

برای انتخاب بهترین منابع

دبیرستان و کنکور

۰۲۱ ۲۸۴۲۵۲۱۰



دین و زندگی ۱۲

درس دوم: یگانه بی همتا

چشم انداز	معرفی توحید و مراتب آن و سپس شرک و مراتب آن، هدف اصلی این درس است. در کنار توحید و شرک، بررسی می شود که توسل جستن و درخواست از اولیای الهی با توحید منافات ندارد. در نهایت نیز تفکر تکفیری ها نقد می شود.
مشاوره	این درس شامل سوره توحید (۴ آیه) و ۵ آیه عربی، ۱ حدیث عربی و ۱ حدیث فارسی است و حدود ۴۵ تست از کنکورهای سال های گذشته برای دست یابی به دیدگاه طراحان موجود است.
سبک مطالعه	ابتدا در مورد اهمیت توحید و یگانگی خدا مطالبی را بیاموزید. سپس معنای هر یک از الفاظ خالقیت، مالکیت، ولایت و ربوبیت را برای خدا همراه با کلیدواژه آیاتش یاد بگیرید و توحید و شرک در آن ها را تشخیص دهید. روابط علی و معلولی میان توحیدها را فرابگیرید. در پایان، دیدگاه صحیح در مورد توسل جستن به اولیای الهی و درخواست از ایشان را بیاموزید؛ زیرا اگر تأثیر آنان را به اذن و اجازه خدا بدانیم، عین توحید است.

ساختار کلی درس

- اهمیت توحید: مهم ترین اعتقاد دینی
- برخی مراتب توحید ← خالقیت / مالکیت / ولایت / ربوبیت
- برخی مراتب شرک ← خالقیت / مالکیت / ولایت / ربوبیت
- منافات نداشتن توحید با توسل و کمک خواستن از اولیای دین
- طرح چند سؤال
- بررسی تفکرات غلط جریان تکفیری ها

مقدمه

بندگی، نتیجه ربوبیت الهی: موضوع کلی

ایستگاه حدیث

امام علی (علیه السلام): «خدای من! مرا این عزت بس که بنده تو باشم و این افتخار بس که تو پروردگار منی، خدای من! تو همان گونه ای که من دوست دارم، پس مرا همان گونه قرار ده که تو دوست داری.»

- ۱ رابطه عزت و بندگی خدا در این حدیث بیان شده است. زیرا یکی از راه های تقویت عزت نفس، توجه به عظمت خداوند و تلاش برای بندگی اوست. پس این حدیث با آیه ﴿مَنْ كَانَ يُرِيدِ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا﴾ مرتبط است. (# ترکیبی با درس ۱۱، سال یازدهم)
- ۲ توحید عملی (بندگی)، نتیجه درک توحید در ربوبیت (پروردگار) است و با آیات ﴿إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ﴾ و ﴿أَنِ اعْبُدُونِي﴾ هذا صراط مستقیم مرتبط است. (# ترکیبی با درس ۳ و ۴، سال دوازدهم) (تجربی ۹۸)
- ۳ این که انسان دعا کند که آن گونه باشد که خدا دوست دارد، بیانگر پیروی از خداوند است و با آیه شریفه ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي...﴾ و حدیث شریف «مَا أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ عَصَاهُ» ارتباط دارد. (# ترکیبی با درس ۹، سال دهم)
- ۴ این که خداوند به انسان کمک کند که همان گونه ای باشد که خدا دوست دارد، امداد خاص خدا به بنده و اشاره به سنت توفیق الهی دارد. (# ترکیبی با درس ۶، سال دوازدهم)
- ۵ دوست داشتن خدا، بیانگر توالی است و اگر آن گونه باشیم که خدا دوست دارد، پیروی از دستورات خدا را مورد نظر قرار داده ایم. (# ترکیبی با درس ۹، سال دهم)

مهم ترین اعتقاد دینی، «توحید و یکتاپرستی» است. اسلام، دین توحید و قرآن، کتاب توحید است.

در اسلام بدون اعتقاد به توحید، هیچ اعتقاد دیگری اعتبار ندارد. توحید، سر لوحه دعوت همه پیامبران بوده است. (وحدت محتوا و اصول ادیان الهی)



در سال دهم خواندیم که پیامبران الهی، مرگ را گذرگاهی به سوی حیات برتر در جهان آخرت می‌دانند و ایمان به زندگی در جهان دیگر را، در کنار توحید و یکتاپرستی سرلوحه دعوت خود قرار داده‌اند. همه آنان پس از ایمان به خدا (توحید)، ایمان به آخرت را مطرح کرده‌اند و آن را لازمه ایمان به خدا دانسته‌اند. در قرآن کریم نیز بعد از یکتاپرستی، درباره هیچ موضوعی به اندازه معاد سخن گفته نشده است. پس دو موضوع توحید و معاد در آیات ﴿مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ...﴾ و ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ...﴾ در کنار هم سرلوحه دعوت انبیای الهی بوده‌اند و بدون اعتقاد به توحید، اعتقاد به معاد معنا ندارد. (# ترکیبی با درس ۳ و ۴، سال دهم)

خداوند در قرآن کریم، اخلاق، احکام و همه اعمال فردی و اجتماعی مؤمنان را بر مدار توحید قرار داده است.

توحید، مانند روحی در پیکره معارف و احکام دین حضور دارد و به آن حیات و معنا می‌بخشد.



روح حیات بخش به معارف اسلامی ← توحید	روح حیات بخش به معارف اسلامی ← توحید
اکسیر حیات بخش به انسان مرده ← عشق و محبت (# ترکیبی با درس ۹، سال دهم)	جسم و کالبد معارف اسلامی ← احکام

از این رو (اهمیت توحید)، شایسته است درباره ابعاد این اصل اساسی بیش‌تر بیندیشیم:

۱- حقیقت توحید چیست و مراتب آن کدام‌اند؟

جواب اعتقاد به یگانگی، بی‌شریک بودن و بی‌همتایی خدا - توحید در خالقیت، مالکیت، ولایت، ربوبیت.

۲- مرز میان توحید و شرک چیست؟

جواب وابسته دانستن مخلوقات به خدا، عین توحید است و مستقل پنداشتن آن‌ها، شرک است.

۳- آیا درخواست از غیر خدا مساوی با شرک است؟

جواب اگر توانایی برآوردن درخواست‌ها را از خود آن‌ها بدانیم، شرک است؛ اما اگر این توانایی آن‌ها را از خدا و به اذن او بدانیم، عین توحید است.

توحید و برخی مراتب آن

تعریف توحید به معنای اعتقاد به خدای یگانه است (اصل اساسی توحید). یعنی خداوند بی‌همتاست و شریکی ندارد و این بیانگر اصل و حقیقت توحید است. ﴿وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾

رسول خدا ﷺ از همان آغاز رسالت خود، از مشرکان می‌خواست با گفتن جمله «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» (علت)، دست از شرک و بت‌پرستی بردارند و به خدای یگانه ایمان آورند (معلول). با گفتن این عبارت (علت)، تمام احکام و حقوق اسلامی فرد به رسمیت شناخته می‌شود و دفاع از حقوق او بر دیگر مسلمانان واجب می‌گردد و در زمره برادران و خواهران دینی قرار می‌گیرد (معلول).



ایجاد برادری میان مسلمانان و دفاع از حقوق یکدیگر، با گفتن عبارت «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» با حدیث: «هر کس فریاد دادخواهی مظلومی را، که از مسلمانان یاری می‌طلبد بشنود، اما به یاری آن مظلوم برنخیزد، مسلمان نیست.» از جهت مدافع یکدیگر بودن مسلمانان، مرتبط است. (# ترکیبی با درس ۴، سال یازدهم)

بنابراین، جمله «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» فقط یک شعار نیست؛ بلکه پایبندی (التزام) به آن (علت)، همه زندگی فرد تازه‌مسلمان را در رابطه با خدا، خویشتن، خانواده، اجتماع و دیگر مخلوقات تغییر می‌داد (معلول).

اولین شعار اسلام موضوع کلی

ایستگاه حدیث

پیامبر ﷺ	لا	إله	إلا	الله
ترجمه کلمه به کلمه	نیست	معبودی	جز	خدای یگانه
ترجمه روان	هیچ خدایی جز الله نیست.			
۱ پیامبر اعظم ﷺ از همان آغاز رسالت از مشرکان می‌خواست با گفتن «لا اله الا الله» دست از شرک و بت‌پرستی بردارند. می‌فرمود: «ای مردم بگویند «معبودی جز الله نیست» تا رستگار شوید.» (# ترکیبی با درس ۹، سال دوازدهم)				
۲ این جمله، اشاره به اولین معیار تمدن اسلامی (توحید) دارد. (# ترکیبی با درس ۹، سال دوازدهم)				
۳ با گفتن این عبارت، تمام احکام و حقوق اسلامی فرد به رسمیت شناخته می‌شد و دفاع از حقوق او بر دیگر مسلمانان واجب می‌گشت و در زمره برادران و خواهران دینی قرار می‌گرفت.				
۴ با التزام و پایبندی به این عبارت، همه زندگی فرد تازه‌مسلمان در رابطه با خدا، خویشتن، خانواده، اجتماع و دیگر مخلوقات تغییر می‌یافت.				



مهم‌ترین اعتقاد دینی ← توحید
پایه و اساس بنای اسلام ← لا اله الا الله (# ترکیبی با درس ۹، سال دهم)

توحید و یگانگی خداوند مراتبی دارد که به برخی از این مراتب می‌پردازیم:

۱. توحید در خالقیت

توحید در خالقیت عبارت از این است که معتقد باشیم خداوند تنها مبدأ و خالق جهان است، موجودات همه مخلوق او هستند و در کار آفرینش شریک و همتایی ندارد.

ایستگاه آیه				زمزم ۶۲
اللَّهِ	خَالِقِ	كُلِّ	شَیْءٍ ...	ترجمه کلمه به کلمه
خدا	آفریننده	هر	چیزی است.	ترجمه روان
خدا آفریننده هر چیزی است ...				
توحید در خالقیت به این معناست که تنها مبدأ و خالق جهان خداست و جهان از یک اصل پدید آمده است. (خالق)				
خداوند، سرچشمه همه خوبی‌ها و زیبایی‌هاست و هر کمال و خیر از او نشأت می‌گیرد. (کُلِّ شَیْءٍ)				
خداوند در کار آفرینش، شریک و همتایی ندارد و همه موجودات، مخلوق او هستند. (خالق)				
خداوند پدیدآورنده موجودات است و همه موجودات، پدید آمده از او هستند. (کُلِّ شَیْءٍ)				

خداوند شریک و همتایی ندارد ← اصل و حقیقت توحید

خداوند در کار آفرینش شریک و همتایی ندارد ← توحید در خالقیت

۲. توحید در مالکیت

از آن جا که خداوند تنها خالق جهان است (علت)، پس تنها مالک آن نیز هست (معلول) (تجربی ۱۴۰۰). زیرا هر کس که چیزی را پدید می‌آورد (خالق)، مالک آن است.

ایستگاه آیه				آل عمران ۱۰۹
و لِلَّهِ	ما	فِي	السَّمَاوَاتِ	وَمَا فِي الْأَرْضِ
و	برای خداست	آن چه	در	آسمان‌ها و زمین است.
و آن چه در آسمان‌ها و آن چه در زمین است، از آن خداست.				ترجمه روان
توحید در مالکیت یعنی خداوند مالک اصلی و حقیقی جهان است و علت آن، توحید در خالقیت: «قُلْ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَیْءٍ» می‌باشد. (لِلَّهِ) (انسانی ۱۴۰۰)				
مالک واقعی تمام آن چه در زمین و آسمان‌ها است، خداست و مالکیت برای غیر خدا موقتی، اعتباری، قراردادی و محدود است. (لِلَّهِ)				
رابطه مالکیت انسان‌ها و مالکیت خداوند، یک رابطه طولی است. (لِلَّهِ مَا) (# ترکیبی با درس ۵، سال دوازدهم)				
آیه «قُلْ يَا عِبَادِ ...» و حدیث «... تو را برای خودم (آفریدم)» از جهت اشاره به مالکیت خدا بر انسان، با این آیه مرتبط است. (لِلَّهِ)				
(# ترکیبی با درس ۷، سال دوازدهم و درس ۱۱، سال یازدهم)				

آیه «لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ» ← توحید در مالکیت

آیه «... لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» ← اخلاص در بندگی (توحید عملی) و توحید در ربوبیت

۳. توحید در ولایت

هر کس مالک چیزی باشد (علت)، ۱- حق تصرف و تغییر در آن چیز را دارد، ۲- اما دیگران بدون اجازه وی نمی‌توانند در آن تصرف یا از آن استفاده کنند (معلول).

تعریف به این حق تصرف، ولایت و سرپرستی می‌گویند.

توحید در ولایت و نفی شرک در ولایت: موضوع کلی

ایستگاه آیه

کلمه ۱۶	ما	لَهُمْ	مِنْ دُونِهِ	مِنْ وَلِيِّ	وَلَا يَشْرِكُ	فِي	حُكْمِهِ	أَحَدًا
ترجمه کلمه به کلمه	نیست	برای آنان	جز او	هیچ سرپرستی	و شریک نمی‌گیرد	در	فرمانروایی خود	هیچ کس را
ترجمه روان	آن‌ها هیچ ولی [سرپرستی] جز او ندارند و او در فرمانروایی خویش کسی را شریک نمی‌سازد.							
پایه	۱	از این آیه توحید در ولایت و نفی شرک در ولایت مفهوم می‌گردد. «وَلِي - لَا يَشْرِكُ - حُكْمِهِ»						
	۲	چون خداوند تنها مالک حقیقی جهان است، تنها ولی و سرپرست جهان نیز هست. «وَلِي»						
	۳	هرگونه تصرف و تغییر در جهان، حق خداوند و شایسته اوست و دیگران بدون اجازه او نمی‌توانند در آن تصرف یا از آن استفاده کنند. «وَلِي - حُكْمِهِ»						
	(زبان ۹۷)							
	۴	مخلوقات، جز به اذن و اجازه خداوند نمی‌توانند در جهان تصرف کنند و چنین اذنی به معنی واگذاری ولایت خداوند به دیگری نیست. «لَا يَشْرِكُ»						
	۵	خداوند ولایت خود را به دیگری واگذار نمی‌کند و ولایت دیگران فقط در مسیر و مجرای ولایت خداوند است. «لَا يَشْرِكُ»						
	۶	رابطه ولایت انسان‌ها با ولایت خداوند یک رابطه طولی است (نه عرضی). «لَا يَشْرِكُ» (# ترکیبی با درس ۵، سال دوازدهم)						
	۷	خداوند پیامبر ﷺ را واسطه ولایت خود و رساننده فرمان‌هایش قرار داده است. «مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِي» (هنر ۹۹ و ۱۴۰۰)						

از آن‌جا که خداوند، تنها مالک جهان است (علت)، ۱- تنها ولی و سرپرست جهان نیز هست و ۲- مخلوقات، جز به اذن و اجازه او نمی‌توانند در جهان تصرف کنند (معلول). چنین اجازه‌ای به معنی واگذاری ولایت خداوند به دیگری نیست، بلکه بدین معناست که خداوند آن شخص را در مسیر و مجرای ولایت خود قرار داده است. اگر خداوند پیامبر اکرم ﷺ را ولی انسان‌ها معرفی می‌کند، بدین معناست که ایشان را واسطه ولایت خود و رساننده فرمان‌هایش قرار داده است.

- ۱ یکی از نمونه‌های ولایت معنوی رسول خدا ﷺ نیز تصرف در عالم خلقت به اذن الهی است. (# ترکیبی با درس ۴، سال یازدهم)
- ۲ این‌که پیامبر اکرم ﷺ مسیر و مجرای ولایت الهی و واسطه و رساننده فرمان‌های خدا به ماست، اشاره به رابطه طولی میان ولایت خدا و ولایت پیامبر ﷺ دارد. (# ترکیبی با درس ۵، سال دوازدهم)
- ۳ خداوند در آیه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (آیه ولایت)، پیامبر ﷺ و امام علی (علیه السلام) را ولی انسان‌ها معرفی می‌کند. (# ترکیبی با درس ۵، سال یازدهم)

حق تصرف خدا، مربوط به «توحید در ولایت» است، نه توحید در مالکیت!

۴. توحید در ربوبیت

رب به معنای مالک و صاحب اختیاری است که تدبیر و پرورش مخلوق به‌دست اوست. هر کس که خالق و مالک و ولی چیزی باشد (علت)، می‌تواند آن را تدبیر کرده و پرورش دهد (معلول). از آن‌جا که خداوند تنها خالق، مالک و ولی جهان است (علت)، تنها رب هستی نیز می‌باشد (معلول). اوست که جهان را اداره می‌کند و آن را به سوی مقصدی که برایش معین فرموده، هدایت می‌نماید و به پیش می‌برد.

کارهای خداوند برای مخلوقات، به‌جز خلقت و مالکیت و تصرف و تغییر، همگی متعلق به توحید در ربوبیت است. مثلاً هدایت، زراعت، شفابخشی، دادن حاجت، پرورش، تدبیر، اراده، اداره و ...

البته باید به این نکته توجه داشت که توحید در ربوبیت، بدان معنا نیست که موجودات، به خصوص انسان، نقشی در پرورش و تدبیر سایر مخلوقات ندارند؛ باغبانی که زحمت می‌کشد و به پرورش درختان اقدام می‌کند، رشد این درختان نتیجه تدبیر اوست. بلکه، توحید در ربوبیت بدین معناست که این باغبان و تدبیرش، همه از آن خدا و تحت تدبیر او هستند.

تدبیر انسان در رابطه طولی با تدبیر خداوند است؛ یعنی انسان هر چه دارد از خدا گرفته است. (# ترکیبی با درس ۵، سال دوازدهم)

کشاورز، وقتی خود را با دیگران، یعنی کسانی که در کشت زمین او دخالتی نداشته‌اند، مقایسه می‌کند می‌بیند که این کشت حاصل دسترنج خودش است، اما وقتی رابطه خود را با خدا بررسی می‌کند، می‌بیند که هم خودش و هم نیرو و توانش از آن خداست و کشت و زرع او بر اساس استعدادی که خداوند در آن قرار داده، رشد کرده و محصول داده است.

درمی‌یابد که زارع حقیقی و پرورش‌دهنده اصلی زراعت او خداست (علت)، و باید شکرگزار او باشد (معلول).

در مورد بررسی رابطه موجودات با خدا، در درس قبل هم اشاره شد که ما هر لحظه و به طور پیوسته و دائمی به خدا نیازمندیم.

در این درس هم دیدیم که همه چیز در وجود ما از خدا نشأت گرفته است. (# ترکیبی با درس ۱، سال دوازدهم)

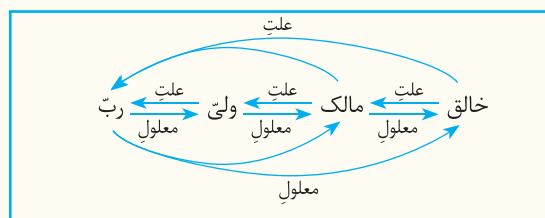
وظیفه انسان موحد، پس از درک ربوبیت الهی، شکرگزاری (توحید عملی) است. این مفهوم با آیه «إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ ...» مرتبط است. (# ترکیبی با درس ۳، سال دوازدهم)

توحید و نفی شرک در ربوبیت ۸ موضوع کلی

ایستگاه آیه

﴿اَعَزَّ﴾	﴿اَبْنَى﴾	﴿رَبًّا﴾	﴿وَهُوَ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾	﴿رَبُّ كُلِّ
-----------	-----------	----------	----------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	----------------------	--------------

مرور سریع



روابط علی و معلولی مراتب توحید مهم است. خالقیت، علت توحید در مالکیت است. مالکیت، علت توحید در ولایت است. همه توحیدهای خالقیت، مالکیت و ولایت، علت توحید در ربوبیت می باشند. در درس بعدی خواهیم خواند که ربوبیت، علت توحید عملی است. (# ترکیبی با درس ۳، سال دوازدهم)



مرور سریع

مراتب توحید	کلیدواژه ها
اصل توحید	«اَحَدٌ» - «الواحد» - یگانه بی همتا - بی نظیر - شریک و همتایی ندارد - یکتا
خالقیت	مبدأ - «خالق» - «نور» - بی شریک و بی همتا در آفرینش - سرچشمه - منشأ - هستی بخش - اصل - ریشه
مالکیت	صاحب - از آن او - مالک - «لِلَّهِ»
ولایت	سرپرستی - تصرف - تغییر - فرمانروایی - «وَلِیٌّ» - «حُکْمٌ»
ربوبیت	تدبیر - پرورش - اداره - اراده - صاحب اختیار - «رَبُّ» - هدایت به سوی مقصد - شفا - حاجت (ریاضی ۹۷) - زراعت

شرک و مراتب آن

تعریف شرک به معنای شریک قرار دادن خدا است. هر کس که معتقد باشد خداوند شریک دارد، مشرک به حساب می آید.

شرک نیز مانند توحید درجاتی دارد که متناسب با درجات توحید، به برخی از آن ها می پردازیم:

۱. شرک در خالقیت

اگر کسی معتقد باشد که این جهان را چند خالق آفریده اند، گرفتار شرک در خالقیت شده است.

سؤال چرا خداوند در آفرینش جهان شریکی ندارد؟

جواب این تصور که چند خدا وجود دارد (شرک در خالقیت: شُرَکَاءَ خَلَقُوا کُلَّ شَیْءٍ) و ۱- هر کدام خالق بخشی از جهان اند، یا ۲- با همکاری یکدیگر، این جهان را آفریده اند، به معنای آن است که هر کدام از آن ها محدود و ناقص هستند و به تنهایی نمی توانند کل جهان را خلق کنند.

هم چنین به معنای آن است که هر یک از خدایان کمالاتی دارند که دیگری آن کمالات را ندارد و گرنه عین همدیگر می شوند و دیگر چند خدا نیستند.

چنین خدایان ناقصی، خود، نیازمند هستند و هر یک از آن ها، به خالق کامل و بی نیازی احتیاج دارد که نیازش را برطرف نماید.

نتیجه پس تصور چندخدایی صحیح نیست و خدای واحد، آفریننده جهان است.

۲. شرک در مالکیت

اعتقاد به این که علاوه بر خداوند و در کنار او (رابطه عرضی)، دیگران هم مالک بخشی از جهان هستند. اگر کسی معتقد به شرک در خالقیت باشد (علت و شرط)، معتقد به شرک در مالکیت نیز خواهد بود. (معلول و مشروط) (تجربی ۱۴۰۰)

۳. شرک در ولایت

اعتقاد به این که علاوه بر خداوند و در کنار او (رابطه عرضی)، دیگرانی نیز هستند که سرپرستی جهان را برعهده دارند و خودشان حق تصرف در جهان را دارا می باشند.

۴. شرک در ربوبیت

اعتقاد به این که علاوه بر خداوند و در کنار او (رابطه عرضی)، دیگرانی نیز هستند که تدبیر امور موجودات را بر عهده دارند. اگر کسی در کنار ربوبیت الهی، برای خود یا سایر مخلوقات حساب جداگانه باز کند و گمان کند که کسی می تواند مستقل از خداوند، امور را تدبیر کند، گرفتار شرک (در ربوبیت) شده است.

تدبر در قرآن

الف) با توجه به اهمیت سوره توحید و جایگاه آن در قرآن کریم، در آیات این سوره تدبر کنید و پیام های آن را به دست آورید.

یگانه بی همتا - موضوع کلی

ایستگاه آیه

توحید، ۱۶۱	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ (۱) اللَّهُ الصَّمَدُ (۲) لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ (۳)
ترجمه کلمه به کلمه	به نام خداوند بخشنده مهربان بگو او خداوند یگانه است خداوند بی نیاز است نه زاده است و نه زاده شده است
ترجمه روان	به نام خدای بخشنده مهربان. بگو اوست خدای یگانه، خدایی که بی نیاز مطلق است، نه زاده و نه زاییده شده است.
وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ (۴)	و نه باشد و نه کسی
و هیچ کس همتای او نیست.	

- از آیه اول و چهارم، اصل اساسی توحید و یگانگی خداوند برداشت می شود. (اَحَدٌ)
- دو معنای لفظ «صمد»: ۱- تو پُر (وجود کامل و بی نقص) ۲- وجود بی نیازی که همه موجودات برای رفع نیاز خود، قصد او می کنند. (الصَّمَدُ)
- از این جهت با عبارت قرآنی (يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ) متناسب است. (ریاضی ۹۸)
- بی نیازی خداوند، مرتبط با آیه (وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ) می باشد. زیرا نیاز موجودات فقیر نسبت به خداوند را مرتفع می سازد و از این جهت با آیات (انتم الفقراء الى الله) و (يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ) مرتبط است. (الصَّمَدُ) (# ترکیبی با درس ۱، سال دوازدهم)
- قرآن کریم یگانگی و بی همتایی و بی مانندی خداوند را یادآوری می کند. (كُفُوًا) (انسانی ۹۸)
- آیه دوم، خدا را تنها مرجع رفع همه نیازهای مخلوقات معرفی کرده است. (اللَّهُ الصَّمَدُ)
- آیه سوم، هر گونه صفت نقصی (صفات سلبی) مانند ترکیب و داشتن اجزاء و به وجود آمدن از شئی دیگر را از خداوند نفی می کند. (لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ)
- علت این که خداوند زاینده و زاییده شده نیست: (لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ)، بی نیازی او از سایر موجودات است. (الصَّمَدُ)
- این آیات از جهت تأکید بر یگانگی خدا، با آیه (وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ) مرتبط است. (اَحَدٌ)
- بی نیازی خداوند، بیانگر مقدمه دوم استدلال نیازمندی هستی به خدا در پیدایش است. (الصَّمَدُ) (# ترکیبی با درس ۱، سال دوازدهم)

ب) با توجه به آیه ۱۶ سوره رعد، به سؤالات زیر پاسخ دهید:

درجات و مراتب توحید و شرک - موضوع کلی

ایستگاه آیه

رعد، ۱۶	قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ قُلْ أَفَاتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ لَا يَمْلِكُونَ
ترجمه کلمه به کلمه	بگو چه کسی پروردگار آسمان ها و زمین بگو خداوند بگو آیا گرفتید از غیر او سرپرستانی اختیار ندارند
ترجمه روان	بگو پروردگار آسمان ها و زمین کیست؟ بگو خدا است، بگو آیا غیر از او سرپرستانی گرفته اید که [حتی]
لَا تَنفَعُكُمْ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ	خودشان را سود و ضرری بگو آیا برابرند نابینا و بینا یا آیا برابرند تاریکی ها و نور یا قرار دارند خداوند
اختیار سود و زیان خود را ندارند؟ بگو آیا نابینا و بینا برابر است؟ یا تاریکی ها و روشنایی برابرند؟ یا آن ها شریک هایی برای خدا قرار داده اند که [آن شریکان هم]	
شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَابَهَ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ	شریکانی خلق کردند مانند آفرینش او پس مشتبه گشته است آفرینش بر آنان بگو خداوند آفریننده هر چیزی و او یگانه چیره شونده
مثل خداوند آفرینشی داشته اند و در نتیجه [این دو] آفرینش بر آنان مشتبه شده است؟ [و از این رو شریکان را نیز مستحق عبادت دیده اند؟] بگو خدا آفریننده هر چیزی است و او یکتای مقتدر است.	

درجات و مراتب توحید و شرک: موضوع کلی

ایستگاه آیه

- ۱- مفاهیم توحید در ربوبیت: «رب»، مردودیت شرک در ولایت: «اولیاء» و نفی شرک در مالکیت: «لا یملکون»، مردودیت شرک در خالقیت: «شُرکاءَ خَلَقُوا» و تأکید بر توحید در خالقیت: «خالق» و اصل و حقیقت توحید: «الواحد»، به ترتیب از این آیه برداشت می‌شوند. «الواحد»
- ۲- در این آیه به نفی ولایت غیر خدا (طاغوت) و معبودهای دروغین به صورت استفهام انکاری «أَفَاتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ» به دلیل اختیار نداشتن سود و ضرر، اشاره شده است. «نَفْعًا وَ لَا ضَرًّا»
- ۳- کسی که نمی‌تواند برای خود سودی را جلب یا ضرری را دفع کند، نباید تحت هیچ عنوانی به جای خدا مورد اطاعت مردم قرار گیرد. «لا یَمْلِكُونَ»
- ۴- کسی که حق را ببیند و آن را نپذیرد و به جای یگانگی خدا، برای او شریک قائل شود، چشم دلش کور می‌شود و فضای اطرافش تاریکی است. «الاعمی - الظلمات»
- ۵- غیر از خداوند، کسی چیزی را نیافریده تا در شناخت خالق آفریده‌ها دچار اشتباه شویم. «تَشَابَهَ الْخَلْقُ عَلَیْهِمْ»
- ۶- خلقت یک امر دائمی است و نبض هستی به طور دائم از طرف خدا صادر می‌شود و هر موجودی لحظه به لحظه از ذات پاکش هستی می‌گیرد. «قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ»
- ۷- این آیات خطاب به مشرکان و بت پرستان است و به صورت سؤال مطرح شده است و بلافاصله خود آیه پاسخ را مطرح می‌کند و انتظار پاسخ از آنان ندارد. یعنی پرسش و پاسخ هر دو از خداست، پس روشن است که مشرکان خالقیت خدا را قبول دارند، ولی پرستش خدا و کمک خواستن از او و نفی شرک را نمی‌پذیرفتند. «قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ» (تجربی ۹۹)
- ۸- عدم پذیرش ولایت غیر خدا، معلول مالک نبودن آن‌هاست. زیرا ولایت، ناشی از مالکیت است. «أَوْلِيَاءَ - لا یَمْلِكُونَ»
- ۹- مخلوقاتی که مالک هیچ منفعت و ضرری نیستند به کوری و تاریکی تشبیه شده‌اند و خدای واحد که خالق همه خوبی‌ها و زیبایی‌هاست به بنیابی و نور؛ از این جهت با آیه «اللَّهُ نُورٌ ...» مرتبط است. (# ترکیبی با درس ۱، سال دوازدهم) (خارج ۹۶)
- ۱۰- واحد قهار بودن خداوند به معنای این است که خداوند جای خالی برای غیر باقی نگذاشته است تا آن غیر، خود را نشان دهد و همه عالم مقهور اراده اوست (و هو الواحد القهار). «أَوْلِيَاءَ - لا یَمْلِكُونَ»

- ۱- کسی را می‌توانیم به عنوان رب خود انتخاب کنیم که خالق، مالک و ولی جهان باشد.
- ۲- کسی که اختیار سود و زیان خودش را ندارد نمی‌تواند سرپرست و ولی دیگران باشد.
- ۳- در چه صورت جا داشت که مردم در اعتقاد به توحید در شک بیفتند؟ اگر غیر از خدا، کسی یا چیزی، توانایی خلق کردن را داشت یا اختیار نفع و ضرر خود را داشت.

♦ (ج) مراتب توحید یا شرک را در آیات ذکر شده مشخص کنید.

- | | |
|------------------------------------|---------------------------------|
| «اولیاء» ← شرک در ولایت | «رب» ← توحید در ربوبیت |
| «شُرکاءَ خَلَقُوا» ← شرک در خالقیت | «لا یملکون» ← نفی شرک در مالکیت |
| «أَحَدٌ - الْوَاحِدُ» ← اصل توحید | «خالق کل شیء» ← توحید در خالقیت |

طرح چند سؤال (در مورد درخواست از غیر خدا و ربوبیت الهی)

♦ سؤال مرز توحید و شرک کجاست؟ آیا اگر کسی پزشک را وسیله درمان و بهبود بیماری بداند، مشرک است؟ آیا اگر کسی از غیر خدا درخواست کمک کند، گرفتار شرک شده است؟ آیا اگر کسی دعا را وسیله جلب مغفرت الهی و صدقه را وسیله دفع بلا بداند، مشرک است؟ و بالاخره، آیا توسل به پیامبران و معصومین علیهم‌السلام شرک به حساب می‌آید؟

♦ جواب در پاسخ به سؤال‌های فوق می‌گوییم:

♦ اولاً خداوند رابطه علیت را میان پدیده‌های جهان حاکم کرده است. آتش موجب گرما و روشنی و دارو سبب شفا و بهبودی است. پزشک وسیله درمان، معمار عامل بنای ساختمان و معلم نیز وسیله تعلیم و تربیت است.

♦ در امور معنوی نیز همین‌گونه است. دعا سبب آمزش، صدقه موجب دفع بلا، و صلّه رحم موجب افزایش طول عمر است. (اشاره به سنت تأثیر اعمال نیک انسان در زندگی او: # ترکیبی با درس ۶، سال دوازدهم)

♦ همه این روابط توسط خود خداوند طراحی شده و به اذن و اراده او صورت می‌گیرد. بنابراین، کسی که برای آموختن نزد معلم می‌رود، یا برای درمان به پزشک مراجعه می‌کند، نه تنها معلم و پزشک را شریک خداوند قرار نداده، بلکه به قانون الهی (قانون علیت) عمل کرده است.

قانون علیت، یکی از سنت‌های الهی حاکم بر طبیعت و زندگی انسان‌هاست که از تقدیر الهی نشأت می‌گیرد. (# ترکیبی با درس‌های ۵ و ۶، سال دوازدهم)



♦ **ثانیاً** همان‌گونه که درخواست از پزشک برای درمان بیمار با توحید، منافاتی (ناسازگاری) ندارد، درخواست از **اولیای الهی** برای اجابت خواسته‌ها نیز منافاتی با توحید ندارد (سازگار است)؛ زیرا پزشک به واسطه استفاده از اسباب مادی و **اولیای الهی** به واسطه اسباب غیر مادی (معنوی) و با اذن خداوند این کار را انجام می‌دهند.

♦ عقیده به توانایی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اولیای دین علیهم السلام در برآوردن حاجات انسان (مانند شفا دادن) وقتی موجب شرک است که این توانایی را از خود آن‌ها و مستقل از خدا بدانیم، اما اگر این توانایی را صرفاً از خدا و انجام آن را با درخواست اولیا از خداوند و به اذن خدا بدانیم، عین توحید است و از این جهت مانند اثر شفابخشی داروست که خداوند به آن بخشیده است.

♦ این توانایی تنها به زمان حیات دنیوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اختصاص ندارد و پس از رحلت ایشان نیز استمرار دارد. به عبارت دیگر، روح مطهر رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از رحلت زنده است و می‌تواند به انسان‌ها یاری برساند. اکنون اگر ما از رسول خدا صلی الله علیه و آله چیزی درخواست کنیم، درخواست از جسم ایشان نیست، بلکه از حقیقت روحانی و معنوی ایشان است.



۱) شفابخشی و دادن حاجت توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و به اذن خدا، نمونه‌ای از ولایت معنوی ایشان است و چون به اذن خداست، با توحید منافاتی ندارد. (# ترکیبی با درس ۴، سال یازدهم)

۲) عقیده به توانایی اولیای دین در برآوردن حاجت، در صورت فرض وجود اذن الهی و رابطه طولی با خداوند، عین توحید در ربوبیت است؛ اما در صورت مستقل فرض نمودن آن‌ها و رابطه عرضی با خدا، منجر به شرک در ربوبیت است. (# ترکیبی با درس ۵، سال دوازدهم)

۳) چون روح پیامبر صلی الله علیه و آله پس از مرگ توسط فرشته مرگ «توفی» شده است و از بین نمی‌رود، لذا توانایی‌های روح او از جمله شفابخشی و دادن حاجت، به زمان حیات دنیوی او اختصاص ندارد و پس از مرگ نیز مدد رسانی می‌کند. (# ترکیبی با درس ۵، سال دهم)



شفابخشی پزشک ← با اسباب مادی ← با توحید منافاتی ندارد.

شفابخشی اولیای الهی ← با اسباب روحی و معنوی و غیرمادی ← با توحید منافاتی ندارد.

♦ **سؤال** آیا اگر کسی از پدر و مادرش و یا هر مؤمنی بخواهد که برای سعادت‌مندی او دعا کنند، چنین درخواستی شرک آلود است؟

♦ **جواب** خیر؛ قرآن کریم استفاده از اسباب و واسطه‌ها را نه تنها منع نکرده بلکه از مؤمنان درخواست کرده که از این امور بهره ببرند.

♦ هیچ گروهی از مسلمانان، غیر از جریانی که امروزه به «تکفیری‌ها» مشهور شده، چنین درخواستی را شرک آلود نمی‌دانند. جریان تکفیری در سال‌های اخیر برخی از جوامع و کشورهای اسلامی را گرفتار خود کرده است.

♦ **ویژگی‌ها** پیروان این جریان فکری خشک و غیرعقلانی: ۱- با تفکر غلطی که درباره توحید و شرک دارند، ۲- هر مسلمانی را که مانند آن‌ها نمی‌اندیشد، مشرک و کافر می‌خوانند و ۳- گاه کشتن او را واجب می‌شمارند. ۴- پیروان این جریان می‌گویند توسل به پیامبران و معصومین شرک است. ۵- طلب دعا و شفیع قرار دادن دیگران برای این‌که خدا انسان را ببخشد، شرک است و ۶- هم‌چنین معتقدند این‌گونه افراد، کافر هستند و مسلمان محسوب نمی‌شوند.

♦ **نتیجه** متأسفانه این جریان (علت) ۱- بزرگ‌ترین ضربه را بر اسلام وارد کرد و ۲- سبب تنفر برخی از مردم جهان از دین اسلام شد (معلول).

اندیشه و تحقیق

♦ **سؤال** باور به توحید در خالقیت، مالکیت، ولایت و ربوبیت چه تأثیری در زندگی ما می‌گذارد؟

♦ **جواب** انسانی که خداوند را به عنوان تنها خالق جهان پذیرفته است (خالقیت) و ایمان دارد که او مالک، ولی و پروردگار هستی است، رفتاری متناسب با این اعتقاد خواهد داشت و جهت زندگی خود را خدا قرار خواهد داد. چنین انسانی در مسیر «توحید عملی» حرکت می‌کند. در واقع، میزان تأثیرگذاری اعتقاد به خالقیت، مالکیت، ولایت و ربوبیت خدا، بستگی به درجه ایمان افراد به توحید و یکتاپرستی دارد. هر چه ایمان قوی‌تر باشد تأثیر عملی آن در زندگی بیش‌تر و هرچه ضعیف‌تر باشد، تأثیر آن کم‌تر خواهد بود.

اصطلاحات و مفاهیم کلیدی

♦ **توحید** = وحدانیت = یگانگی = یکتایی = بی‌شریک و بی‌همتا بودن = واحد بودن = (أَحَدٌ) = (الواحد)

♦ **خالقیت** = مبدأ و منشأ بودن = آفریننده و سرچشمه بودن = معلول وحدانیت خدا

♦ **مالکیت** = صاحب بودن = از آن خدا بودن = معلول خالقیت خدا

♦ **ولایت** = تصرف و تغییر = سرپرستی = فرمانروایی = معلول مالکیت خدا

♦ **ربوبیت** = تدبیر = پرورش = اداره جهان = هدایت به سوی مقصد = معلول خالقیت، مالکیت و ولایت خدا

♦ **توسل** = درخواست نمودن از واسطه‌ها و اسباب الهی = سازگار با توحید

♦ **عقیده به توحید** = توحید نظری

رویکردی جدید به موضوع و حفظ آیات

سؤال	جواب
۱- این که خداوند زاده نشده است، به کدام علت قرآنی است؟	﴿اللَّهُ الصَّمَدُ﴾: بی نیازی مطلق، علت نداشتن زاینده است.
۲- از دیدگاه قرآن چه سرپرستانی، شایستگی پذیرش از سوی انسان را ندارند؟	﴿لَا يَمْلِكُونَ أَنْفُسَهُمْ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا﴾: آنان که اختیار سود و زیان خود را ندارند.
۳- قرآن کریم برای دفع شرک از ذات خداوند چه مقایسه‌ای را به انسان پیشنهاد می‌دهد؟	﴿قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَ الْبَصِيرُ، أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَ النُّورُ﴾: مساوی نبودن کور با بینا یا مقایسه تاریکی‌ها با نور.
۴- علت گرفتار شدن افراد به شرک در خالقیت چیست؟	﴿فَتَشَابَهَ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ﴾: آفرینش بر آنان مشتبّه شده است.
۵- چرا می‌گوییم خدا آفریننده همه مخلوقات است؟	﴿وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ﴾: یگانگی، علت توحید در خالقیت است.
۶- مالکیت خداوند بر تمام موجودات جهان در کدام آیه آمده است؟	﴿وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ﴾: آن چه در آسمان‌ها و زمین است برای خداست.
۷- خداوند پس از معرفی خودش به عنوان تنها سرپرست جهان، چه فرموده است؟	﴿وَلَا تُشْرِكْ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا﴾: و او در فرمانروایی خویش کسی را شریک نمی‌سازد.
۸- مردودیت طلب نمودن پروردگاری غیر از خدای واحد، به کدام سبب است؟	﴿وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾: او پروردگار همه چیز است.

رویکردی جدید به موضوع و حفظ الطایف

سؤال	جواب
۱- امام علی علیه السلام عزت واقعی خود را در چه می‌داند؟	«بندۀ تو باشم»: بندگی خدا
۲- امام علی علیه السلام به عنوان یکی از بندگان خدا، به چه چیزی افتخار می‌کند؟	«تو پروردگار منی»: ربوبیت
۳- حضرت علی علیه السلام حس خود را نسبت به خدا چگونه ابراز می‌دارد؟	«تو همان گونه‌ای که من دوست دارم».
۴- دعا و درخواست حضرت علی علیه السلام به درگاه خدا پس از اعتراف به دوستی خدا، چیست؟	«پس مرا همان‌گونه قرار ده که تو دوست داری».

درس در یک نگاه

اسلام = دین توحید قرآن = کتاب توحید بدون توحید، اعتقاد دیگری اعتبار ندارد. سرلوحه دعوت همه پیامبران بوده است. مانند روحی در پیکره معارف و احکام دین، به آن حیات و معنا می‌بخشد. آیه: ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ * اللَّهُ الصَّمَدُ * لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ * وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾ آیه: ﴿وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ﴾	مهم‌ترین اعتقاد دینی (اصل و حقیقت توحید) یگانه بی‌همتا
اصل توحید و یگانگی = اعتقاد به خدای یگانه‌ای که بی‌همتاست و شریک ندارد.	
نفی شرک و ایمان به خدای یگانه = درخواست پیامبر صلی الله علیه و آله در آغاز رسالت باگفتن آن تمام احکام و حقوق اسلامی فرد به رسمیت شناخته می‌شود. پایبندی به آن، همه زندگی فرد تازه‌مسلمان را تغییر می‌دهد.	برخی مراتب توحید جمله «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»

درس در یک نگاه

تنها مبدأ، بی شریک و بی همتا در آفرینش، آیه ﴿اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ﴾	۱- توحید در خالقیت	
۲- توحید در مالکیت: معلول خالقیت، آیه ﴿وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ﴾	۲- توحید در مالکیت	
حق تصرف و تغییر، سرپرستی، معلول مالکیت، آیه ﴿مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا﴾	۳- توحید در ولایت	چهار مرتبه توحید نظری
معنا: رب، صاحب اختیار، تدبیر و اداره کننده، پرورش دهنده اصلی، هدایتگر به مقصد، زارع حقیقی، معلول خالقیت، مالکیت و ولایت.		برخی مراتب توحید
آیه: ﴿قُلْ أَغَيْرَ اللَّهِ أَبْغَىٰ رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ﴾ حدیث: «مرا این افتخار بس که تو پروردگار منی ...»	۴- توحید در ربوبیت	
- با دیگران: خودش زراعت کرده - با خدا: همه چیز را از خدا گرفته و باید شکرگزار او باشد.	مقایسه باغبان	یگانه بی همتا
۱- شرک در خالقیت: اعتقاد به چند خالق برای جهان که هر یک باید محدود و ناقص باشند چون کمالات یکدیگر را ندارند. ﴿أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا ...﴾	۱- شرک در خالقیت	
۲- شرک در مالکیت: در کنار خدا، دیگران هم مالک بخشی از جهان باشند. ﴿لَا يَمْلِكُونَ ...﴾	۲- شرک در مالکیت	درجات و مراتب شرک
۳- شرک در ولایت: در کنار خدا، دیگران هم سرپرستی جهان را برعهده دارند. ﴿أُولِيَاءَ﴾	۳- شرک در ولایت	
۴- شرک در ربوبیت: در کنار خدا، دیگران هم صاحب اختیار و تدبیرکننده امور عالم باشند. ﴿قُلْ أَغَيْرَ اللَّهِ أَبْغَىٰ رَبًّا﴾	۴- شرک در ربوبیت	
دعا: سبب مغفرت و آمرزش صدق: موجب دفع بلا صله رحم: موجب افزایش طول عمر	رابطه علیت: خداوند هم در امور مادی و هم در امور معنوی حکم کرده و قانون الهی است:	درخواست از غیر خدا
پزشک به واسطه استفاده از اسباب مادی اولیای الهی به واسطه اسباب غیرمادی، روحی و معنوی	وقتی شرک است که: این توانایی را از خود آن‌ها بدانیم. عین توحید است اگر: از خدا و به اذن خدا بدانیم.	توسل به معصومین (علیهم السلام)
تفکر غلطی درباره توحید و شرک دارند و بقیه را مشرک و کافر می خوانند و گاه کشتن آن‌ها را واجب می داند.	توسل، طلب دعا و شفیع قرار دادن برای آمرزش الهی را شرک می داند.	طرح سؤال
بیشترین ضربه را بر اسلام وارد کرده اند و سبب تنفر برخی از مردم جهان از دین اسلام شده اند.	تکفیری ها	